



۲۰۲۱/۱۱/۱۱



خلیل الله معروفی

## "خزانه های پنهان موزیم کابل" در نیویارک (قسمت دوم)



نمای "موزیم متروپولتن آرت" نیویارک، با گوشه ای از پلاکارد  
مربوط به آثار موزیم کابل، در جناح راستش

این پلاکارد به شکل و رنگ و تکست ذیل نصب گردیده است:

# Afghanistan

Hidden Treasures from the National Museum, Kabul

قسمت اول این مقاله را به تاریخ ۱۷ جون نوشتم، که در صفحه ۱۹ جون ۲۰۰۹ "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر گردید. در آنجا حدیث از عظمت خود موزیم "متروپولتن" و گنجینه آثار مصر قدیم رفت و بخش مابعد مقاله

نیز وعده داده شد. دیروز ۲۳ جون ۲۰۰۹ در اولین فرصت صبح رهسپار آن "خانه باستان" شده و مستقیماً به نمایشگاه یا نندارتون آثار مبارک وطنم پرداختم، که محصلش در این قسمت و قسمت آخر این مقاله از نظر خواننده گرانقدر میگذرد.

حدوداً ده سال پیش، که در وطن طالبان حکم میچلاندند، و قوای ائتلاف شمال و "شورای زمر دفروشان پنجشیر" را در آخرین پایگاههای شان میخکوب کرده بودند، مقاله ای را از روزنامه "تاگس شپیگل برلین"<sup>(۱)</sup> ترجمه کرده و در جریده "امید" منتشر ساخته بودم. در آن زمان، که "مفقودالایثر شدن" آثار "طلاپه" سخت سر زبانها افتاده بود، افواه و آوازه های فراوان و ضد و نقیض، دهان به دهان میگشت:

– یکی میگفت، که آثار "طلاپه" در اواخر دوره منفور "خلق – پرچم" حیف و میل گردیدند.

– دیگری میگفت، که این آثار در هنگام تسلط ننگین تنظیمهای جهادی، نیست و نابود گردیده و پارچه های آن در بازارهای پاکستان به نرخ کاه ماش، سودا گردیدند.

– دیگران میگفتند، که طالبان نادان، که قیمت قند و قروت را از هم فرق کرده نمیتوانند، آثار زرّ ناب "طلاپه" را، ذوب کرده و به قیمت "طلای خام" فروختند، تا ادوات جنگی خود را تمویل کنند.

– افواهی هم موجود بود، که نظر به آن، این آثار گویا در گاوصندوقهای مستحکم در دیپوها یا تحویلخانه های "ارگ شاهي ثم جُمهوری"، نگهداری میشوند.

خلص کلام از هر دهان کلامی شنیده میشد و حدیث حافظ شیرازی را به یا می آورد، که:

معشوق چون حجاب ز رخ بر نمیکشد

هرکس حکایتی به تصور چرا کند؟؟؟

در آن مقاله از کشف آثار "طلاپه" در سال ۱۹۷۸ به دست پروفیسر روسی بنام "ویکتور سَری یانیدی" و هممه ای، که در جهان باستانشناسی و موزیمها برپا کرد و بعد از سرنوشت نامعلوم و ناپدید گشتنش، بس حکایتها رفته بود. ولی در هر صورت، تا جایی، که حافظه ام یاری میدهد، آورده بودند، که:

همان قسمی، که این آثار دوهزار سال در "پنهانخانه تاریخ" از نظرها مکتوم مانده بودند، اینک دوباره به همانجا رفته اند؛ یعنی از جایی، که آمده بودند، به همانجا برگشتند.

در آن مقاله این نکته را نیز آورده بودند، که مقامات روسی به حکومت دست نشانده خود در کابل پیشنهاد کرده بودند، که بهتر است این آثار در یکی از موزیمهای اتحاد شوروی نگهداری شوند، تا از گزند شر و شوری، که در افغانستان برپا گردیده، مصون بمانند. و گفته بودند، که گویا "شاه شجاع روسی" – ببرک کارمل – از امر باداران خود سرپیچی کرده و بر نگهداشت آنها در خود کابل پای فشرد.

---

۱ – روزنامه "تاگس شپیگل برلین" Berliner Tagesspiegel یکی از روزنامه های مشهور شهر برلین و هم یکی از روزنامه های معتبر المان است.

نیز آورده بودند، که پسانها و در دوره زمامداری داکتر نجیب الله، مقامات روسی خواهش کرده بودند، تا این آثار جهت نمایش، مهمان موزیمهای مشهور روسیه از قبیل موزیم "ارمتاژ" مسکو و موزیم لنینگراد، گردند. و نویسنده مقاله تذکر داده بود، که داکتر نجیب با این امر جداً مخالفت نموده و به یاران نزدیک خود گفته بود، که:

«روسها این آثار را به همین بهانه نزد خود میطلبند، تا از آنها کاپی بگیرند و بعد "اصل" را پیش خود نگه دارند و "بدل" و "کاپی" آنها را به ما مسترد نمایند!!!»

در آن مقاله نکات ذیل نیز تذکر رفته بود، که:

– این آثار مربوط به اعضای خاندان شاهان کوشانی بوده و از شش مقبره به دست آمده اند.

– اعضای خاندان شاهای کوشانی، به مجرد مردن، شبانگاه، آرام آرام و دور از چشم خلائق، با تمام زیورات شاهای در جائی مکتوم دفن میگرددند و "گورکنها" را شبشب میکشند، تا اسرار آرامگاه شاهان را فاش نسازند.

– این آثار که متشکل از ۲۶۰۰۰ (بیست و شش هزار) قطعه خرد و بزرگ بودند، از زرّ خالص ساخته شده و شامل زیورات و مجسمه ها و ظروف و اشیائی از قبیل کمر بند و غیر هم بوده اند.

– از قول داکتر "سری یانیدی" نیز گفته بودند، که این آثار در سطح کشف آثار "توت ان خامون" فراعنه مصر بودند و اگر همین آثار را باستانشناسان غربی از زیر خاک میکشیدند، شهرت آنها به اندازه "توت ان خامون" مصر و شاید بالا تر از آن، بالا میگرفت.

– نیز آورده بودند و چنان، که در فلمهای گوناگون تلویزیون المان نشان هم دادند، تیم باستانشناس روسی ازین آثار قالب گرفته بودند. و نیز گفته شده بود، که اکنون که این آثار ناپدید و معدوم گردیده اند، تنها میشود به کمک همان قالبها آثار جدیدی را ایجاد کرد، تا لااقل روح و یاد و خاطره "آثار پلاتپه" زنده بماند. در فلمی، که شبکه دوم تلویزیون دولتی المان، موسوم به ZDF، سالها پیش نشان داد، خانه پروفیسر سری یانیدی را و همان قالبها را نیز یکایک نشان دادند؛ قالبهایی، که از رابر نرم ساخته شده بودند.

– گفته بودند، که پروفیسر "سری یانیدی" از همه بیشتر به مجسمه پلاتی "افرودیت" (الهه عشق)<sup>(۲)</sup>، عشق میورزید و وقتی فقدان آن را به یاد می آورد، زار زار و به مانند ابر نوبهار، اشک میریخت.

این بود نکاتی، که از آن مقاله به خاطرمانده بود و امیدوارم، که حافظه ام درست قد داده باشد!!!

از مدتهاست، که آثار "پلاتپه" سر زبانها افتاده است و هرکس به قدر وسع و معلومات خود، از عظمتش سخن میگوید. جراند باخترزمین نیز از آن بس سخن گفته اند. این آثار در زمانی، که دولت به دست باندهای وطنفروش و خائن "خلق – پرچم" افتاده بود، به دست و تحت رهنمائی پروفیسر باستانشناسی روسی موسوم به "ویکتور ایوانوویچ سری یانیدی" Viktor Ivanovich Sarianidi حفر گردیدند. کمی بعد از آن قوای اشغالگر شوروی به وطن ما ریخند و خلق جهان از سرنوشت آثار "پلاتپه"، بیخبر ماندند.

---

۲ – "افرودیت" یا "افرودایت" Aphrodite، که به یونانی به شکل Αφροδίτη نوشته میشود، در اسطوره های یونانی مراد از "الهه یا رب النوع عشق و زیبایی" ست.

در مورد آثار "طلاتپه" کتب متعدد در ملکهای فرنگ و به زبانهای فرنگی نشر گردیده است. به همین مناسبت مؤسسه مشهور National Geographic نیز کتاب نسبتاً قطوری را با مشخصات ذیل نشر کرده است:

## Afghanistan

Hidden Treasures from the National Museum, Kabul

Edited by Fredrik Hiebert and Pierre Cambon

National Geographic

Washington, D. C

در صفحه عقبی پشته کتاب چنین آمده است:

«در سال ۱۹۷۸ باستانشناسان آثاری را در تپه‌زارهای شمال افغانستان از زیر خاک کشیدند، که مربوط به قبور بادیه‌نشینان قدیم بوده و در مدت ۲۰۰۰ سال محفوظ مانده بودند. این کشف خارق العاده پرده از روی حدوداً ۲۲۰۰۰ (بیست و دو هزار) قطعه، آثار منفرد طلایی، برداشت، که یکجا با بقایای اجساد شش بادیه‌نشین باختری در زیر خاک مانده بودند. چند ماه بعد از کشف طلایه، افغانستان در اشغال قوای شوروی درآمد و به انزوا کشانیده شد. بدین ترتیب آثار باختر از صحنه خارج گردیده و همان طوری، که از افسانه سر به در آورده بود، دوباره به افسانه سپرده شد. بیست و پنج سال بعد از آن در سال ۲۰۰۳، رئیس جمهور افغانستان "حامد کرزی"، با اعلان کشف دوباره و صحیح و سالم آثار طلایه، جهان را به شگفت اندر کرده، گفت که:

«این آثار، یکجای با آثار برجسته دیگر موزیم ملی کابل، به دست یک تعداد افغانان جانثار و قهرمان، در سالهای اشغال و کشمکش نجات داده شده بودند...»

آثاری، که زیر نام "خزانه های پنهان موزیم ملی، کابل" در چندین موزیم مشهور اتانزونی به نمایش گذاشته شده بودند، و اینک از دیروز ۲۳ جون، تا ۲۰ سپتمبر ۲۰۰۹، به مدت سه ماه مهمان "موزیم متروپولتن آرت" نیویارک اند، شامل پارچه هائی میباشند، که از "آی خانم"، "بگرام"، "طلاتپه" و "تپه فلول" (نزدیک بگرام) به دست آمده اند. در ذیل بر حسب نمونه، سه قطعه از مجموعه آثار "طلاتپه" را از صفحه انترنتی "نشنل جیاگرافیک" گرفته و از حضور خواننده گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" میگذرانم:





به حیث حسن ختام این قسمت، سه لنک ذیل را تقدیم میدارم، که به همت مؤسسه "نشنل جیوگرافیک" در اینترنت گذاشته شده است:

۱ - "سلاید شو" ای، که تعدادی از "پارچه های مهمان" را نمایش میدهد. لطفاً بعد از باز شدن صفحه، بر "پلاتیه" کلیک نموده و بعد روی "View Slide Show" ، کلیک کنید:

<http://www.nationalgeographic.com/mission/afghanistan-treasures>

۲ - فلم ویدیویی، که سرگذشت "پلاتیه" را نمایش میدهد؛ و آن:  
از وقتی، که به دست داکتر "ویکتور سِری یانیدی" در سال ۱۹۷۸ در شمال افغانستان در نزدیکی شبرغان، از زیر خاک کشیده شد و بعد از مفقودالایر گشتن آن و افواهاات ناگواری، که در زمینه دهان به دهان گذشت و بالاخره از مزده یافت شدن مجددش، که بالوسيله به گفته "فردریک هیبرت" Fredrik Hiebert، گویا "قلب افغانستان" اعاده گردید. هم در "سلاید شو" و هم در "ویدیو"، گوینده همین باستانشناس امریکائی ست. وی و "ویکتور سِری یانیدی" حین کشودن گاو صندوقها، در سال ۲۰۰۳ حضور داشتند:

<http://video.nationalgeographic.com/video/player/specials/treasure-wars/bactrian-gold-tw.html>

۳ - قسمتی از آثار نندارتون موزیم ملی افغانستان، در "موزیم متروپولتن آرت" نیویارک:

<http://www.nga.gov/exhibitions/۲۰۰۸/afghanistan/timeline.shtml>

در قسمت سوم و آخر، مطالب دیگری، که توأم با عکسهای بیشتر است، عرضه خواهد گردید.

(خلیل الله معروفی - نیویارک - ۲۴ جون ۲۰۰۹)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید